

نشانِ نامه یا سحای نامه؟ تصحیحِ بیتی از رودکی

حمید آقاجانی*

چکیده

قصیدهٔ دندانیه یکی از معدود قصاید رودکی سمرقندی است که خوشبختانه از دستبرد حوادث و فتنه‌ها محفوظ مانده و در زمرهٔ میراث ارزشمند ادب فارسی ثبت شده است. ظاهراً در این قصیدهٔ رودکی از نظر شمار ابیات و ضبط لغات، دگرگونی‌های چندانی زیاده پدید نیامده است. در مقاله حاضر تلاش شده بر پایهٔ معیارهای سبک‌شناسانه و نیز شواهد گوناگون ادب فارسی و گاه عربی، برای تصحیح بیت «دلم خزانهٔ پرگنج بود و گنج سخن / نشان نامهٔ ما مهر و شعر عنوان بود» پیشنهادهایی مطرح گردد. مصححان و شارحان دیوان رودکی، «مهر» را در مصرع دوم به صورت «مهر» حرکت‌گذاری و معنی کرده‌اند؛ حال آنکه با توجه به سایر اجزای بیت، «نامه» و «عنوان»، می‌توان دریافت که باید آن را به صورت «مهر» خوانند. البته دلیل این اشتباه شارحان تلاش برای معنی‌دار کردن مصراع دوم بوده است؛ غافل از اینکه گشتگی و تصحیف «سحای نامه» به «نشان نامه» اشکال اصلی‌ای است که در بیت رخ داده است.

کلیدواژه: رودکی، تصحیح، نشان نامه، سحای نامه، مهر، مهر.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱. مقدمه

از دیوان بربادرفته رودکی سمرقندی (۲۳۷-۳۱۹ ق) حدود هزار بیت بیشتر باقی نمانده است که شماری از این بیت‌ها هم منتسب به رودکی است و البته بیت‌های بسیاری از همین هزار بیت نیز دچار آشفتگی و گشتگی و خوانش‌های اشتباه شده است. افزون بر مواردی همچون گذر زمان و کیفیت کاغذ و مرکب، محققان یکی از دلایل اصلی پیدایش تصحیفات در نسخ خطی را اشکال در نقطه‌گذاری و رسم‌الخط کهن می‌دانند. البته عامل مهم و اساسی در ایجاد تصحیفات را باید کم‌سوادی و گاه بی‌سوادی کاتبان دست‌نویس‌ها دانست. مایل هروی درباره دلایل پیدایش تصحیف در متون مختلف چنین نوشته است: «مثلاً در روزگار نویسنده‌ای و یا سخنوری، کلماتی با شکل آوایی و گونه‌ای زبان رایج بوده یا از سوی اهل زبان ترک گردیده... و کاتب در حین کتابت جای این گونه از کلمات و مصطلحات را به واژه‌ها و اصطلاحات عصر که گاهی هیچ ارتباط معنایی با صورت اصلی نداشته پر کرده و به این صورت اغلاط و تصرفاتی در دست‌نوشته‌اش روی داده» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۷۹).

۱-۱. بیان مسئله و پیشینه تحقیق

رودکی در قصیده دندانیه در دریغ خوردن بر شادی‌های گذشته و نیز تأثیر و گیرایی اشعارش چنین سروده است:

نبذ روشن و دیدار خوب و روی لطیف	اگر گران‌بُد، زی من همیشه ارزان بود
دلم خزانه پرگنج بود و گنج سخن	نشان نامه ما مهر و شعر عنوان بود
همیشه شاد و ندانستی که غم چه بود	دلم نشاط و طرب را فراخ‌میدان بود
بسا دلا که بسان حریر کرده به شعر	از آن سپس که به کردار سنگ و سندان بود

(نفیسی، ۱۳۱۹: ۳/۹۸۰)

این بیت‌ها را رواقی نیز به این ترتیب آورده است:

نبذ روشن و آواز خوب و روی لطیف کجا گران‌بُد، زی من همیشه ارزان بود

همیشه شاد و ندانستی که غم چه بود دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود
 دلم خزانۀ پرگنج بود و گنج سخن نشان نامه ما مهر و شعر عنوان بود
 بسا دلا که بسان حریر کرده به شعر از آن سپس که به کردار سنگ و سندان

(رواقی، ۱۳۹۹: ۱۴-۱۵)

چنان که مشخص است، بیت دوم و سوم در تصحیح رواقی جابه‌جا شده و به این ترتیب، بیت‌های مرتبط با شاعری و شعر رودکی در پی هم قرار می‌گیرند و بیت‌هایی که درباره شادمانی و شادخواری رودکی است نیز در پس هم می‌نشینند. افزون بر این، بیت‌ها در محور عمودی نیز بسامان‌تر می‌شوند و کلمه «دلم» به صورت منطقی‌تر در بیت‌ها تکرار می‌گردد. همان گونه که پیش از این اشاره شد، بحث اصلی این تحقیق، تصحیح مصراع «نشان نامه ما مهر و شعر عنوان بود» است. نسخه‌بدل‌های «نشان نامه ما» در چاپ نفیسی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ ش) چنین است: «نشان نامه با» و «بسان نامه ما» (نفیسی، ۱۳۱۹: ۹۸۰/۳). ظاهراً کتاب *عرفات العاشقین* اوحدی بلیانی (۹۷۳-۱۰۳۰ ق) از قدیم‌ترین منابعی است که قصیده دندانیه در آن آمده و بیت مورد بحث در برخی نسخه‌های این کتاب به صورت «بسان نامه ما مهر و شعر عنوان بود» ضبط شده است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱۵۳۸/۳). از منابع کهن‌تر بعد از *عرفات العاشقین* که قصیده دندانیه رودکی در آن آمده، *هفت اقلیم* است که متأسفانه بیت مذکور در آن ذکر نشده است (رازی، بی تا: ۳۴۰-۳۴۱). در *مجمع الفصح* نیز به صورت «نشان نامه ما...» آمده است (هدایت، ۱۳۸۲: بخش دوم از جلد اول، ۸۷۷). بیت مذکور با همین ضبط در تصحیح امامی آمده است (امامی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). وی در بخش تعلیقات، در توضیح بیت نوشته است: «مهر: عشق. معنی بیت: کتاب و کارنامه زندگی ما عشق بود که به شعر موسوم شده بود؛ یعنی شعر ما در حقیقت، نمودی از عشق بود» (همان: ۱۱۸). شعار و انوری در کتاب *گزیده اشعار رودکی* در توضیح بیت آورده‌اند: «نامه معمولاً نشانی و عنوانی دارد. منظور آن است که سخن رودکی مهرآمیز (یا عاشقانه) و عنوان

آن شعر بود. شعر عنوان بود: عنوان آن شعر بود» (شعار و انوری، ۱۳۶۹: ۱۱۴). جعفر شعار در تصحیح خود از دیوان رودکی، واژه «مهر» را به صورت «مهر» حرکت گذاری کرده و نوشته است: «مهر: عشق، محبت» (رودکی، ۱۳۸۲: ۲۳). صفا در کتاب گنج سخن، «مهر» را با حرکت کسره آورده: «نشان نامه ما مهر و شعر عنوان بود» (صفا، ۱۳۸۵: ۱۲/۱). همچنین در کتاب پیشاهنگان شعر فارسی، «مهر» با حرکت کسره آمده است (دبیرسیاقی، ۱۳۷۴: ۳۳). محمدرضا ترکی در پیشگامان شعر فارسی، واژه «مهر» را به صورت «مهر» حرکت گذاری کرده است (ترکی، ۱۳۹۴: ۲۳). منوچهر دانش‌پژوه نیز نوشته است: «نامه = کتاب. کتاب وجود من با مهر و محبت نشان داشت و شعر عنوان و سرفصل این کتاب بود» (رودکی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). کامل احمدنژاد در شرح بیت نوشته است: «نشان: مهر، نگین. عنوان: آغاز نامه، یعنی سر نامه ما عشق و عنوان نامه ما شعر بود. مفهوم بیت: دلم گنجینه معنی و سخن بود و مهر نامه ما عشق و عنوان نامه ما شعر بود» (رودکی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). خطیب‌رهبر نیز «مهر» را بدون حرکت گذاری آورده و در حاشیه بیت نوشته است: «عنوان: به ضم اول، سر نامه و نشان آن» (خطیب‌رهبر، ۱۳۷۹: ۲۷).

۲-۱. نقد و بررسی آرای شارحان

همان گونه که مشخص است، تقریباً همه شارحان و کسانی که این شعر رودکی را آورده‌اند، مصرع دوم را به صورت «نشان نامه ما مهر و شعر عنوان بود» حرکت گذاری کرده‌اند. علت این کار شارحان دیوان رودکی چیزی نیست جز تلاش برای معنی‌دار کردن مصرع. «شعر رودکی نمودی از عشق بود» و «سخن رودکی عاشقانه بود» از لحاظ معیارهای سبک‌شناسانه و فکری با سخن و اندیشه رودکی سازگار نیست. شارحان در شرح بیت به ارتباط میان دو مصرع توجه نداشته و تنها به معنی مصرع دوم پرداخته‌اند. در مصرع نخست بیت، سخن از گنج شاعری است و در مصرع دوم، سخن از نامه‌نگاری‌های رودکی که عنوان این نامه‌ها به شعر بوده است. نامه‌های عنوان‌دار نشان از پایگاه و شأن بالای رودکی در دربار سامانیان داشته است. البته باید در نظر

داشت که یکی از معانی «نامه» در فرهنگ‌ها «کتاب و صحیفه» نیز ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل نامه)؛ چنان‌که منوچهر دانش‌پژوه در شرح این بیت، «نامه» را به معنی کتاب دانسته است (رودکی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

۲. تصحیح و شرح بیت

بر اساس شواهد و قراین مختلف در بیت و سایر آثار کهن ادب فارسی، بیت را قیاساً می‌توان به گونه‌ی زیر تصحیح کرد که در ادامه تحقیق، دلایل متعدّد برای تأیید و تقویت این پیشنهاد آورده‌ایم.

دلم خزانهٔ پر گنج بود و گنج سخن سحای نامهٔ ما مهر و شعر عنوان بود

«سحای نامه» بندی بوده که به دور نامه می‌پیچیده و بر آن مهر می‌زده‌اند تا فرد دیگری جز مخاطب نامه نتواند آن را باز کند. با این اوصاف، تناسب دو مصراع نیز آشکار می‌شود. «دل رودکی خزانه‌ای از گنج‌های سخنوری و همانند نامه‌ای بود که سحا به دور آن پیچیده و بر آن مهر زده باشند. وجه شبه از نظر مخفی بودن گنج و سخن است. «شعر عنوان بود» نیز اشاره دارد به اینکه حتی در نامه‌هایی که سحا بر آنها پیچیده‌اند، عنوان به گونه‌ای نوشته می‌شده که بدون باز کردن نامه، امکان خواندن آن یا قسمت‌هایی از آن وجود داشته است.^۱ بنابراین «شعر عنوان بود» با توجه به کل بیت یعنی «شعر من خبر از گنجینهٔ سخن و سخنوری من داشت؛ همان‌طور که از نامهٔ در سحا پیچیده و مهر شده، تنها می‌توان از عنوان آن اندک آگاهی‌ای به دست آورد». به عبارت دیگر، رودکی شعر را با نامه مقایسه کرده که اجزای این تشبیه در جدول زیر قابل مشاهده است:

دل رودکی	خزانهٔ پر گنج و گنج سخن	گنج پنهان در دل رودکی	قفل گنج دل رودکی	شعر رودکی
----------	-------------------------	-----------------------	------------------	-----------

عنوان نامه	سحای مُهر نهاده نامه	نامه طی شده و پیچیده شده	مُهر و محتویات نامه	نامه طی شده و نور دیده
وجه شبهه: آشکار ساختن مضمون پنهانی	وجه شبهه: پنهان کردن	وجه شبهه: پنهان بودن	وجه شبهه: پنهان بودن	وجه شبهه: پنهان بودن

سحای نامه ما مُهر بود یعنی «گنج سخن (دفتر شعر) من سر بسته بود و فقط از عنوان آن که شعر بود می شد به آن پی برد». شگفتا که با این اوصاف، بیت زیر از لحاظ معنایی با مفهوم بیت مورد نظر شباهت بسیاری دارد:

دل تو نامه عقل و سخت عنوان است بکوش سخت و نکو کن ز نامه عنوان را
(ناصر خسرو، ۱۳۵۷: ۱۱۸)

۲-۱. مُهر یا مهر

با توجه به واژه‌های «نامه» و «عنوان» و تناسب دیگر که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته شده است، به نظر می‌رسد واژه «مهر» را با حرکت ضمّه بر حرف نخست باید خواند. در این صورت، تناسب «مهر» با «نامه» و «عنوان» آشکار می‌شود. در شواهد زیر، این ارتباط به خوبی مشخص است:

سعادت نامه‌ای فرمود در شاهی و سلطانی
همه اجرام کتاب و همه افلاک دیوان شد
چو بنشستند و بنوشتند دولت مُهر کرد آن را
به شاهی و به سلطانی برو نام تو عنوان شد

(امیر معزی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

نامه به موی بندی وز اشک مُهر در مهر تر نگویی عنوان چگونه باشد

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۶۰۰)

بریدِ صبحِ وفا نامه‌ای که برد به ز خون دیده‌ ما بود مهر‌عنوانش

(حافظ، ۱۳۶۲: ۵۶۸/۱)

چه حاجت نامه‌های درد ما را مهر وا کردن

بین عنوان خون‌آلوده و بر حرف مضمون شو

(امیرخسرو، ۱۳۸۷: ۷۶۳)

۲-۲. مهر بر عنوان زدن

نکته دیگری که اثبات می‌کند خوانشِ «مهر» درست و «مهر» نادرست است، تناسبِ «مهر» و «عنوان» است. با توجه به اینکه در قدیم نامه‌ها را از پایین به بالا می‌پیچیدند، عنوان نامه در بالای آن قرار می‌گرفت و مهر بر آن زده می‌شد. همین نکته سبب پیدایش مضمون‌های گوناگون در اشعار شاعران شده است:

چو از باد عنوان او گشت خشک نهادند مهری برو بر ز مشک

(فردوسی، ۱۳۸۲: ۱۱۳۰/۱)

چو این نامه به پایان برد رامین به عنوان بر نهاده مهر زرین

(گرگانی، بی تا: ۳۳۲)

سخن‌ها گفته اندر نامه شیرین به عنوانش نهاده مهر زرین

(همان: ۴۶)

مهر شد این نامه به عنوان تو ختم شد این خطبه به دوران تو

(نظامی، ۱۳۹۵: ۲۹)

سیه کردی سر خط تا نخوانم نامه حسنت مرا بگذار تا باری ببوسم مهر عنوان را

(امیرخسرو، ۱۳۸۷: ۶۱)

۲-۳. سحای نامه و مهر کردن آن

نکته دیگری که هم درستی «مهر» و احتمال گشتگی «سحای نامه» را تأیید می کند، تناسب این دو با یکدیگر است. در روزگاران گذشته سحا را به دور نامه می پیچیده و بر آن مهر می زده اند. «چون ظاهراً مهر بر آن (سحا) می زدند و عنوان بر آن می نوشتند، به معنی مهر و عنوان نامه نیز آمده است» (معین، ۱۳۷۶: ۲۰۲/۵). شفیع کدکنی در تعلیقات اسرار التوحید نوشته است: «سحای نامه: نوارمانند و بندی بوده است که پس از نوشتن نامه بر گرد آن می بسته اند تا کسی جز مخاطب اصلی نتواند آن را بگشاید و آن را مهر می کرده اند» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۸: ۶۲۳/۲). در کتاب ارزشمند رسوم دارالخلافه توضیح کاملی درباره سحای نامه، عنوان نامه و مهر کردن آن آمده است:

«فَأَمَّا مَا يَجْرِي مِنَ الْخَلِيفَةِ مَجْرَى التَّوْقِيعِ وَمَنْ وَزِيرَهُ الْمُقِيمِ بِحَضْرَتِهِ مَجْرَى الْمَطَالَعَةِ فَالْمَسْتَحَبُّ فِيهِ الْكَاعْدُ النِّصْفِيُّ وَأَمَّا اسْحَاءُ الْكُتُبِ فَشِرَابُهُ اِبْرِيْسَمٌ سَوْدَاءٌ وَخْتَمُهُ أَمَّا عَنْبَرٌ وَمَسْكٌ أَوْ طِينٌ اسْوَدٌ مَخْلُوطٌ بِعَنْبَرٍ وَأَمَّا الْخُرَائِطُ فَمَنْ دِيْبَاجٍ اسْوَدٌ وَ يَشْدُ رَاسَ الْخُرَيْطَةِ بِشِرَابِهِ أُخْرَى فِي اشْرِيْبَةِ مَخْتُمِهِ وَأَمَّا كُتُبُ الْعَهْدِ الَّتِي يُقَالُ فِي أَوْلَهَا: هَذَا مَا عَهْدَ فُلَانٍ إِلَى فُلَانٍ فَلَا حَاجَةَ إِلَيْ خْتَمِهَا لِأَنَّهُ لَا عُنْوَانَ لَهَا فَإِنْ خْتَمْتَ فِيْ أَوَاخِرِهَا عَلَيَّ أَنْتَى لَمْ أُرْ خْتَمًا فِي أَوَاخِرِ الْعَهْدِ وَأَكْثَرَ مَا رَأَيْتُهُ فِي كُتُبِ الْمَقَاتِعِ وَالشَّرُوطِ الْأَمَامِيَّةِ وَإِذَا كَانَ فَعَلَى اشْرِيْبَةِ فَضَّةً بِشِرَابِهِ اِبْرِيْسَمٌ» (الصَّابِي، ۱۹۸۶: ۱۲۷/۱).

ظاهراً در مواقعی که نامه خصوصی بوده، سحا داشته است: «قال علی بن عیسی إذا حضر بین یدی الخلیفه، فأراد أن یکتب سرأله لم یحتج الی غیره و کتب هو و سحا و ختم و خرط بیده» (تنوخی، ۱۳۹۱: ۴۰/۳). به نظر می رسد یکی از بهترین شواهدی که در ادبیات فارسی درباره «سحا» وجود دارد، عبارات زیر از منشآت خاقانی است:

«این خدمت که به سواد حدقه بر بیاض چشم مرقوم شد و به حبل الوریث سحا بسته آمد و به موم خاطر که از شهد امانی بازمانده است، مهر کرده شد و اگر یمین و یسار را قدرت بودی، یمین الله که به سواد دوده شب بر بیاض صفحه روز نبشتمی و به زر رشته آفتاب سحا بستمی و به موم ستارگان که پیرامن طشت شمع ماه سیلان شمع

را مانند، مُهر کردمی و به دست آفتاب دادی تا به جوار معلا مجلس عالی رسانیدی» (خاقانی، ۱۳۸۴: ۲۵۱-۲۵۲). گاه مهری که بر سحا می‌زده‌اند از جنس طلا بوده است: «براده الفضة... و یختم بها علی سحاءه، فأنها تقبل الختم» (ابن هبّالله، ۱۴۲۵: ۱۰۴). از این بیت‌های سنایی در حدیقه می‌توان دریافت که معمولاً نامه‌های محرمانه را به سحا می‌پیچیده و بر آن مُهر می‌زده‌اند و فقط مخاطب نامه می‌توانسته آن را بگشاید:

اجل آمد کلید خانۀ راز	در دین بی‌اجل نگردد باز
حقّۀ سربه‌مُهر دانِ جانت	مُهرۀ مهر نور ایمانت
سابقّت نامه‌ای به مُهر آورد	وز پی تو به خاتمت بسپرد
تا ز دور زمانه خواهی زیست	تو ندانی که اندر آنجا چیست
سحی نامه‌ی خدای عزّ و جل	برنگیرد مگر که دست اجل

(سنایی غزنوی، ۱۳۲۹: ۹۷)

در قصاید عربی خاقانی نیز می‌توان تناسب بین «ختم = مهر» و «سحا» را به روشنی دریافت:

یلثمه الدهر حین اختمه	و فوق ختمی سحاء بغداد
-----------------------	-----------------------

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۹۵۱)

در بیت زیر از عثمان مختاری، واژه سحا به کار رفته است:

احوال دل خسته اندر گله پیوسته وز موی سحا بسته کاغذ شده مشک آیین

(مختاری غزنوی، ۱۳۸۲: ۴۲۹-۴۳۰)

علامه همایی (۱۲۷۸-۱۳۵۹ ش) در حاشیۀ دیوان عثمان مختاری در شرح بیت پیشین، نکته‌های بیشتری در باب این واژه و کاربردهای آن به دست داده است: «سحا: به‌طوری که از موارد استعمال کلمه معلوم می‌شود، در فرهنگ‌ها... به معنی مهر نامه و بند و نواری است که دور نامه می‌بسته و آن را مهر و موم می‌کرده‌اند و به تازی گفته می‌شود: «سحوت الکتاب و سحیته إذا شدت به بالسحاء: صحاح اللغه» و موی سحابسته اشاره به مرسوم قدیم که زنان در اظهار مصیبت و تظلم و استغاثه و خون‌خواهی، موی

خود را در جوف نامه می گذاشتند یا با تار نخ دور لوله می بستند. در تاریخ ابن خلکان ذیل ترجمه حال ابوالقاسم عیسی الفائز بن الظافر، از خلفای فاطمی مصر، ضمن بیان داستان قتل پدرش، ظافر و نامه استغاثه نوشتن اهل قصر و حرم سرای او می نویسد: قطعوا شعورهم و سیروها فی طی الکتاب» (همان). بر این اساس، در بیت زیر از خاقانی نیز سحا بستن نامه به موی و مهر کردن آن با اشک به قصد گله گزاری و شکایت، تأییدی است بر سخنان استاد همایی.

نامه به موی بندی وز اشک مهر سازی در مهر تر نگویی عنوان چگونه باشد
(خاقانی، ۱۳۷۸: ۶۰۰)

۲-۴. تناسب سحا و عنوان

افزون بر مواردی که پیش از این درباره بیت رودکی مطرح شد، نکته دیگری که احتمال تصحیف «سحای نامه» را به «نشان نامه» تقویت می کند، تناسب «سحای نامه» با «عنوان نامه» است. در شواهد زیر، این تناسب قابل مشاهده است:

ای نامه آفتاب زی کیوان	بهرام سحی و مشتری <u>عنوان</u>
(رادویانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳)	
ماه نو در سایه ابر کبوتر فام راست	چون <u>سحای</u> نامه یا چون عین <u>عنوان</u> دیده اند
	(خاقانی، ۱۳۷۸: ۹۲)

حملت الی حمای کتب الحمی	فبأدرت کفی بک سحاء
<u>عنوانها</u> بغی الکرام فویلتی	شمت الیام بموقه الکرماء
	(همان: ۹۴۱).

تو را که رشته ایمان ز هم گسست	سحاء خط امان از چه می کنی فردا
	(همان: ۱۲)

۲-۵. بیتی دیگر از رودکی، کلید تصحیح بیت مورد بحث

در دیوان رودکی بیتی وجود دارد که مضمون آن شباهت زیادی با بیت مورد بحث دارد که در آن «سحای نامه» و «مهر» در آن آمده است:

هزار بوسه دهم بر سحای نامه تو اگر بینم بر مهر او نگین تو را

(رودکی، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

یعنی بر بند نامه تو هزار بوسه می‌زنم، اگر بر مهری که بر این بند نامه است نقش نگین تو باشد. این بیت بنا بر سخن محمد بن منور در *اسرار التوحید* بر زبان ابوسعید ابوالخیر جاری شده است (محمد بن منور، ۱۳۸۸: ۳۳۱/۱). سعید نفیسی درباره آن نوشته: «مؤلف *اسرار التوحید* تصریح نکرده که این اشعار از رودکی است؛ اما روش آن‌ها و... همه دلیل بر آن است که از رودکی است و به سخنان رودکی از هر شاعر دیگر مانده‌تر است» (نفیسی، ۱۳۸۲: ۴۷۷؛ رک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۱/صد و پنجم).

۲-۶. عنوان شعری نامه

در مراسلات روزگاران قدیم^۲ معمولاً هر نامه عنوانی داشته که تا حدودی موضوع آن را نیز مشخص می‌کرده است. «و شرط بود اگر ختم خواهد کردن کی بر یک گوشه در زیر عنوان بنویسند مختوم نقش الختم کذا و کذا تا پوشیده نماند» (میهنی، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۸). «يقال العنوان الكتاب و عنوانته و هی اللغة الفصيحة... و العنوان العلامة كأنك علمته حتى عرف بذکر من كتبه و من كتب اليه» (صولی، ۱۳۴۱: ۱۴۳). در مواردی جای عنوان نامه را یک یا چند بیت شعر می‌گرفته است. «و قد عنون احمد بن يوسف كتابه بشعر، فكتب الي طاهر ابن الحسين: للأمير المهذب/ المكنى بطيب. ذی اليمينين طاهر بن/ الحسين بن مصعب» (همان: ۱۴۶). شایان ذکر است خطاب نامه با عنوان نامه تفاوت دارد. خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ق) در منشآت خود گاهی نامه‌هایی دارد که با بیت‌های فارسی و عربی آغاز شده و همین ابیات به منزله عنوان شعری نامه است (رک: خاقانی، ۱۳۸۴: ۲۷، ۹۹ و ۱۸۴).

از پس تحریر نامه کرده‌ام مبدأ به شعر معجز آوردن به مبدأ برنتابد بیش از این

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴)

۲-۷. تصحیف فراگیر سحا در متون

گشتگی و تصحیف سحا به سبب مبهم بودن معنی آن بر کاتبان و گاه مصححان در متون مختلف مشهود است. در بیتی که قبلاً از رودکی آورده شد، «سحای نامه» در برخی چاپ‌ها تبدیل به «سخای نامه» شده است:

هزار بوسه دهم بر سخای نامه تو اگر بینم بر مهر او نگین تو را

(رودکی، ۱۳۷۳: ۶۶)

سعید نفیسی نیز آن را چنین معنی کرده است: «سخای نامه: نامه‌ای که برای دل‌جویی کسی بنویسند» (همان: ۲۰۵). احمد آتش در ترجمان البلاغه، «سحا» را در بیت زیر از منجیک ترمذی به تصحیف «سحا» خوانده است:

ای نامه آفتاب زی کیوان بهرام سحی و مشتری عنوان
(رادویانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳)

البته در چاپ‌های بعدی ترجمان البلاغه به کوشش توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی، بیت مذکور بر اساس سخنان شفيعی اصلاح شده است (همان: ۳۱۸). واژه «سحا» در بیت زیر از عثمان مختاری نیز دچار گشتگی و تصحیف شده که همایی آن را قیاساً تصحیح کرده است:

احوال دل خسته اندر گله پیوسته وز موی سحابسته کاغذ شده مشک آیین
(مختاری غزنوی، ۱۳۸۲: ۴۲۹-۴۳۰)

همایی در حاشیه درباره ضبط نسخه‌ها برای واژه «سحا» نوشته است: «سخن: ص. سخا: س، خ: سجا، بجا، سما، سها، کمان: خ. نسخه‌ها همه در این کلمه مغشوش و متن تصحیح احتمالی نگارنده است» (همان: ۴۳۰). البته تصحیف «سحا» به «کمان» احتمال تصحیف آن را در بیت مورد بحث رودکی به «نشان» قوّت می‌بخشد. در لیلی و مجنون نظامی تصحیح حسن وحید دستگردی نیز «سحای نامه» به «سخای نامه» تصحیف شده است:

معجون چو سخای نامه را دید جز نامه هر آنچه بود بدُرید
(نظامی، ۱۳۸۵: ۱۶۳)

وحید دستگردی (۱۲۵۸-۱۳۲۱ش) در شرح بیت نوشته است: «یعنی چون معجون دید که سخاوت بزرگی از طرف لیلی یا از جانب قاصد در حق او از دادن آن نامه معمول شده، از شوق به چرخ آمد. چون آن نامه پیش معجون از تمام عالم بیشتر قیمت داشت؛ پس دهنده سخای بزرگ کرده بود» (همان).

حملت الی حمای کتب الحمی فبادرت کفی بک سحاء
عنوانها بغی الکرام فویلتی شمت الیام بموقه الکرماء
(خاقانی، ۱۳۷۸: ۹۴۱).

همچنین در برخی نسخه‌های دیوان خاقانی دچار تصحیف شده است (خاقانی، ۱۳۷۸: ۱۲؛ همچنین ناصر خسرو، ۱۳۵۷: ۱۰/۱ و ۵۸۷؛ رونی، ۱۳۴۷: ۱۴۶؛ امیر معزی، ۱۳۸۹: ۷۲۳). در این بیت سیف فرغانی نیز ظاهراً همان تصحیف رخ داده که البته مصحح کتاب متوجه آن نشده است:

به دوستانش فرستاد نامه‌ای ایزد که ره برند به مضمونش از سخای حروف
(فرغانی، ۱۳۶۴: ۲۰)

۳. نتیجه گیری

در دیوان باز یافته رودکی سمرقندی و از همین تعداد بیت‌های اندک، بیت‌هایی وجود دارند که دچار گشتگی و تصحیف شده‌اند و به سبب فقدان نسخه بدل، قاعدتاً راهی جز تصحیح قیاسی برای بازیابی ضبط درست و نزدیک کردن بیت‌ها با آنچه رودکی سروده است، وجود ندارد. در این جُستار بر اساس روابط درون‌متنی، بیتی از قصیده دندانیه رودکی و نیز ضمن بررسی روابط بینامتنی مضمون این بیت با سایر آثار ادب فارسی نشان داده شد که «نشان نامه» در این بیت حاصل تصحیف و گشتگی «سحای نامه» بوده، علت اصلی این تصحیف، اعتنا نداشتن به ارتباط «سحای نامه» با «مهر» و «عنوان» در بیت یادشده است. همچنین نشان داده شد همین تصحیف سبب

گردیده غالب شارحان واژه «مهر» را به صورت «مهر» بخوانند و در دریافت معنی و مفهوم بیت دچار اشکال شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «نامه به وی داد و گفت: مهر بردار و فرمان عرضه کن. عبدالجبار نامه بستد و در عنوان نگه کرد پیش از آنکه مهر برداشت، بر کناره الفی دید و بر کناره دیگر نونی...» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۲۱۲).

دل من نامه در دست و خون دیده عنوانش بس از غمّازی عنوان برون بر حال مضمون را (امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۵)

۲. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ مراسلات قدیم، رک: جهادی، ۱۳۹۷: ۳۹-۶۸.

منابع

- ابن هیة‌الله، محمد بن محمد (۱۴۲۵ق)، **المجموع الفیف**، محقق یحیی وهیب جبوری، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- جهادی، سید امیر (۱۳۹۷)، **متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی**، فصلنامه مطالعات زبانی بلاغی، سال ۹، شماره ۱۸، صص ۳۹-۶۸.
- امامی، نصرالله (۱۳۸۳)، **استاد شاعران، رودکی**، تهران: جامی.
- امیر معزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۸۹)، **دیوان**، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
- ترکی، محمدرضا (۱۳۹۴)، **پیشگامان شعر فارسی**، تهران: سمت.
- تنوخی، محسن بن علی (۱۳۹۱)، **نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة**، تحقیق عبود العجی، بی‌جا: بی‌نا.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، **دیوان**، تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۸)، **دیوان**، تصحیح ضیاء‌الدین سجّادی، تهران: زوّار.
- _____ (۱۳۸۴)، **منشآت**، تصحیح و تحشیة محمد روشن، تهران: دانشگاه تهران.
- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۷۹)، **رودکی**، تهران: صفی‌علیشاه.

- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۷۴)، **پیشاهنگان شعر فارسی**، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت نامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- دهلوی، امیر خسرو (۱۳۸۷)، **دیوان**، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، با مقدمه و اشراف محمد روشن، تهران: نگاه.
- رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۸۷۰)، **ترجمان البلاغه**، تصحیح احمد آتش، به کوشش توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- رازی، امین احمد (بی تا)، **هفت اقلیم**، تصحیح جواد فاضل، تهران: علی اکبر علمی.
- رواقی، علی (۱۳۹۹)، **سروده‌های رودکی**، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رودکی، ابو عبدالله جعفر بن محمد (۱۳۸۲)، **دیوان**، بر اساس نسخه سعید نفیسی، ی. براگینسکی، تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۸۲)، **دیوان**، تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۸۳)، **دیوان**، شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس.
- _____ (۱۳۹۱)، **دیوان**، توضیح، نقد و تحلیل کامل احمدنژاد، تهران: آمه.
- رونی، ابوالفرج (۱۳۰۴)، **دیوان**، به اهتمام محمود مهدوی دامغانی، مشهد: کتاب‌فروشی باستان.
- الصابی، هلال بن المحسن (۱۹۸۶)، **رسوم دارالخلافة**، تحقیق میخائیل عواد، بیروت: دارالرائد العربی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۹)، **گنج سخن**، تهران: ابن سینا.
- صولی، محمد بن یحیی (۱۳۴۱ق)، **أدب الکتاب**، تحقیق اثری محمد بهجه و آلوسی محمد شکر، بغداد: المكتبة العلمیة.
- سنایی غزنوی (۱۳۲۹)، **حدیقة الحقیقه**، تصحیح مدرس رضوی، تهران: چاپخانه سپهر.
- شعار، جعفر و حسن انوری (۱۳۶۹)، **گزیده اشعار رودکی**، تهران: امیر کبیر.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۸)، **قابوس نامه**، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، **شاهنامه**، بر اساس چاپ مسکو، تهران: هرمس.
- فرغانی، سیف‌الدین محمد (۱۳۶۴)، **دیوان**، تصحیح و مقدمه ذبیح‌الله صفا، تهران: فردوسی.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (بی تا)، **ویس و رامین**، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: کتاب‌فروشی فخر رازی.

- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- محمد بن منور (۱۳۸۸)، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- مختاری غزنوی، عثمان بن عمر (۱۳۸۲)، دیوان، به اهتمام جلال‌الدین همایی، تهران: علمی و فرهنگی.
- مدبری، محمود (۱۳۷۰)، شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان، بی‌جا: پانوس.
- معین، محمد (۱۳۷۶)، تعلیقات برهان قاطع، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- میهنی، محمد بن عبدالخالق (۱۳۷۵)، دستور دبیری، تصحیح سید علی رضوی بهابادی، یزد: بهاباد.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۵۷)، دیوان، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی گنجوی (۱۳۸۵)، لیلی و مجنون، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: زوار.
- نفیسی، سعید (۱۳۱۹)، احوال و اشعار رودکی، تهران: شرکت کتاب‌فروشی ادب.
- _____ (۱۳۸۲)، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران: اهورا.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۵)، مخزن الاسرار، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲)، مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.